

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۳۰ آذر ۱۳۹۵  
 مصادف با: ۲۰ ربیع الاول ۱۴۳۸  
 جلسه: ۱۹

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد  
 موضوع جزئی: بررسی آیه دوم - توحید ربوبی

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

در مورد «الحمد لله» روایاتی را بیان کردیم که حاکی از اهمیت این ذکر و برخی از آثار و فوائد این ذکر بود. روایت دیگری از امام صادق (ع) وارد شده که آن را عرض می‌کنیم و یک نکته‌ای هم در مورد ربوبیت باقی مانده که که به آن هم اشاره می‌کنیم و ان شاء الله بحث از این آیه تمام می‌شود.

**روایتی دیگر در مورد «الحمد لله»**

این روایت در کشف الغمه از امام صادق (ع) وارد شده است که می‌فرماید: پدرم [امام باقر (ع)]، استری را گم کرده بود، ایشان فرمود: اگر خداوند این استر را به من بازگرداند من او را به ستایش‌هایی حمد می‌کنم که از من راضی شود، یعنی اگر خدا این گمشده من را برگرداند به گونه‌ای او را ستایش می‌کنم که او راضی شود، راوی می‌گوید: زمان زیادی نگذشت که آن مرکب با همه وسایلی که همراهش بود، مانند زین و افسار و ... پیدا شد، امام باقر (ع) بعد از اینکه خودش را آماده کرد و می‌خواست حرکت کند، سر به سوی آسمان بلند کرد و فرمود «الحمد لله» و دیگر هیچ نفرمود، بعد به دنبال آن فرمود با گفتن این جمله من در ستایش خداوند از هیچ چیز فروگذار نکردم، چون همه ستایش‌ها را مخصوص او قرار دادم، هیچ حمدی نیست مگر خداوند هم داخل آن است.

دو قسمت از این روایت خیلی مهم است یکی اینکه در ابتدا حضرت می‌فرماید من خدا را ستایش می‌کنم و حمد می‌گویم بگونه‌ای که راضی شود، یعنی «الحمد لله» بهترین ستایش است که خداوند از او راضی می‌شود، و دیگر اینکه با گفتن «الحمد لله» هیچ چیزی فروگذار نمی‌شود، اینقدر این مهم است و عظمت دارد، یک ستایش و ثنای معمولی نیست و نباید این ذکر را ساده گرفت، مخصوصاً اگر با توجه اظهار و به زبان جاری شود همراه با باور قلبی باشد، این کامل‌ترین ثنا و ستایش نسبت به خداوند متعال و شکر نعمت خداوند می‌باشد، چه بر نعمت‌های کوچک و چه بر نعمت‌های بزرگ، لذا نباید از این ذکر غافل شد و به هر حال چه در برابر نعمت‌هایی که خداوند به ما ارزانی کرده و می‌کند و چه بواسطه اینکه خداوند شایسته ستایش است، به عنوان خالقیت، ربوبیت، باید زبانا و قلباً مشغول این ذکر باشیم.

**توحید ربوبی**

نکته‌ای که در مورد ربوبیت باقی مانده این است که ما گفتیم خداوند رب همه عوالم امکانی است، یعنی همه عوالم امکانی و موجودات این عوالم را به سوی کمال خودشان هدایت می‌کند، نکته‌ای که می‌خواهیم عرض کنیم، توحید در ربوبیت و توحید ربوبی خداوند است، یعنی اگر این عوالم و موجوداتشان همه در حال پرورش و تربیت و هدایت به

سوی کمال خودشان هستند این فقط و فقط به دست خداوند است، هیچ موجودی، هیچ شخصی و هیچ کسی در این هدایت به سوی کمال و تربیت به معنای عام، که هم شامل هدایت تکوینی می‌شود و هم هدایت تشریحی، با خداوند شریک نیست، توحید ربوبی در کنار توحید در خالقیت از شعب توحید است، باید ما همان‌طوری که به وحدانیت خداوند در خلق ایمان داریم، به ربوبیت وحدانی خداوند هم معتقد باشیم، حال آیا ربوبیت وحدانی خداوند قابل اثبات است؟

#### مقدمه

قبل از اینکه به ادله این ادعا اشاره کنم توجه به این نکته لازم است که، همه مشرکان و کافران بنا بر نقل قرآن با توحید در خالقیت مشکلی نداشته‌اند، حتی وثنیین ابائی از پذیرش توحید خالق‌ی نداشتند، می‌گفتند: ما قبول داریم خداوند این عالم را خلق کرده است، ولی پس از خلق دیگر کاری به امور این عالم ندارد، بلکه امور این عالم را وسائط و اسباب تمشیت و تدبیر می‌کنند، پس مشکل در توحید از حیث خالقیت نیست، همچنین با ربوبیت کلی این عالم توسط خداوند و توحید ربوبیت کلیه مشکلی نداشتند، آنچه بیشتر محل اشکال است و منکر و مشرک نسبت به آن ابراز اشکال و تردید و انکار می‌کنند، ربوبیت جزئی است، یعنی مثلاً ربوبیت نسبت به انسان یا نسبت به ارض، یا ربوبیت نسبت به باران و گردش خورشید و پدید آمدن شب و روز، بت پرستان بیشتر این امور را به بعضی از بت‌ها نسبت می‌دادند، لذا بت‌های متعددی داشتند و هر بتی به عنوان رب و هدایت کننده یک بخش و یک جزئی از اجزاء و قسمت‌های این عالم بود؛ پس این خیلی مهم است که نقطه اختلاف کفار و مشرکان با موحدان در چه محدوده‌ای است، آن‌ها انکار خالق و انکار وحدانیت در خلق نمی‌کردند، آنها منکر ربوبیت کلیه خداوند هم نبودند، عمده اختلاف بر سر ربوبیت جزئی است که دامنگیر خیلی افراد هم می‌باشد، حتی ممکن است راجع به باران عقیده داشته باشند که در اینجا دیگر خدا کاری ندارد، حال یا یک موجودی است که باعث نزول باران می‌شود یا فعل و انفعالات طبیعت، ابرها خود بخود بدون دخالت خداوند بوسیله بخار شدن آب از سطح دریاها بوجود آمده و طی یک شرایطی از این ابرها باران و برف می‌بارد، عمده اشکال در این بخش یعنی ربوبیت جزئی هست. و خود قرآن هم در مواضع متعدد به این مطلب اشاره کرده است، از جمله می‌فرماید:

«وَلَيْنُ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup>، جالب است که بدانید ما آیاتی با همین تعبیر در قرآن داریم که بمناسبت‌های مختلف آمده است، حال در ذیل آنها تفاوت‌هایی وجود دارد، که اگر از آنها بپرسید که چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده است «لَيَقُولُنَّ اللَّهُ»، حتماً می‌گویند: خدا، بعد در ذیل آن می‌گوید: «بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»، یا مثلاً نظیر همین در این آیه «وَلَيْنُ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ

<sup>۱</sup> . سوره لقمان: آیه ۲۵.

قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ<sup>۱</sup> آمده است، در اینجا هم با تاکید خداوند تبارک و تعالی از قول آن‌ها نقل می‌کند که اینها معتقدند خالق آسمانها و زمین خداوند تبارک و تعالی است، در مورد ربوبیت کلی هم همینطور است «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدْبِرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَ فَلَ تَتَّقُونَ»<sup>۲</sup>، در این آیه هم بحث از این است که اگر از اینها سوال شود که چه کسی از آسمانها و زمین رزق شما را می‌دهد؟ چه کسی مالک سمع و بصر شماست؟ چه کسی زنده را از مرده خارج می‌کند و مرده را از زنده؟ چه کسی امور را تدبیر می‌کند؟ «فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ»، در اینجا بحث از این است که حتی نسبت به هدایت کلی عالم، ربوبیت کلیه هم باز مشکلی ندارند یعنی خدا را در واقع منشاء همه چیز می‌دانند، اشکال در مورد ربوبیت جزئیه است، یعنی اینکه خداوند این عالم را خلق کرده و نیز به نحو کلی امور این عالم را تدبیر و هدایت می‌کند ولی دیگر این‌گونه نیست که در جزئیات خداوند ربوبیت داشته باشد، خیلی از انسان‌ها ممکن است گرفتار این نوع شرک باشند، که اصلاً نقش خداوند در ربوبیت نسبت به این عالم چه به نحو کلی و چه به نحو جزئی چگونه است، مسئله این است که اگر آنی و کمتر از آنی این ربوبیت نباشد همه چیز به هم می‌ریزد.

حال با توجه به این مقدمه‌ای که عرض شد، پردازیم به اصل توحید در ربوبیت آن هم به نحو تام، یعنی هم ربوبیت کلیه و هم ربوبیت جزئیه که بیشتر مورد شک و تردید و انکار گروهی از انسان‌ها می‌باشد.

دو دلیل بر توحید ربوبی خداوند می‌توان ذکر کرد:

### دلیل اول

اینکه اصولاً بین خالقیت و ربوبیت تلازم است، اگر کسی معتقد به وحدانیت خداوند در خلق شد، قهراً باید معتقد به وحدانیت در ربوبیت هم بشود، اگر توحید خالق را پذیرفت، توحید ربوبی هم باید پذیرفته شود، چون کسی که خالق است، و به تنهایی این عالم را خلق کرده است، تنها اوست که می‌تواند موجودات این عالم را تدبیر و هدایت کند و پرورش دهد، هم از حیث اینکه قدرت مطلقه است، و هم از این حیث که غیر از او کسی از سازمان هستی خبر ندارد، بطور مثال مهندسی که یک کارخانه می‌سازد و به اجزاء آن اشراف دارد می‌تواند آن را هدایت کند، هرچند این مثال فی الواقع از یک جهت تقریب به ذهن می‌کند و از یک جهاتی دور می‌کند، اما به هر حال خداوند تبارک و تعالی که به تنهایی این عالم را با همه عظمتش از بزرگترین موجودات تا ریزترین موجودات خلق کرده است، اوست که می‌تواند این موجودات را به پیش ببرد و به مقصد اعلیٰ برساند، اوست که می‌تواند موجودات را تربیت کند و به سوی کمال هدایت کند. چون اوست که به همه زوایای آشکار و نهان موجودات احاطه دارد، بنابر این تنها اوست که می‌تواند ربوبیت کند، پس دلیل اول در واقع تلازم بین خالقیت و ربوبیت است.

### دلیل دوم

۱. سوره الزمر: آیه ۳۸.  
۲. سوره یونس: آیه ۳۱.

هر چند به حسب ظاهر قرابتی با دلیل اول دارد ولی در عین حال متفاوت است، طبق این دلیل ربوبیت هم نوعی از خلقت است، ربوبیت به حسب واقع شعبه‌ای و شأنی از شعب و شئون خلقت است، چون ربوبیت عبارت است از سوق دادن موجود به سوی کمال آن موجود، اگر معنای ربوبیت این است، کسی که رب است، در واقع اعطاء می‌کند کمال موجود را، آن کمالی که شایسته آن است، خود این به نوعی خلقت محسوب می‌شود، چون همین حرکتی که در موجودات است، مسیری را که طی می‌کنند برای کاملتر شدن، خود این در واقع نوعی خلق است، اینکه مثلاً موجودی از قوه تبدیل به فعلیت می‌شود معنایش این است که دارد مسیر تکاملی طی می‌کند، کمال که در اینجا می‌گوییم به معنای عام است، بذری که تبدیل به خوشه گندم می‌شود در واقع دارد یک سیر تکاملی طی می‌کند، این سیر در واقع به معنای شدن‌ها می‌باشد، وقتی آن بذر تبدیل به جوانه گندم می‌شود. تبدیل به ساقه و همین‌طور ادامه پیدا می‌کند، در واقع چیز جدیدی به وجود می‌آید و خلق می‌شود، پس تکامل هر شیء و حرکت در مسیر کمال که بواسطه خداوند صورت می‌گیرد و این ناشی از ربوبیت خداوند است به یک معنا نوعی خلق هم محسوب می‌شود، اگر ما خالقیت را منحصر در خداوند کردیم قهراً ربوبیت را هم باید منحصر در خدا بکنیم چون طبق بیانی که گفتیم ربوبیت شعبه و شأنی از شئون و شعب خالقیت است.

در اینجا بحث ملازمه نیست، طبق دلیل اول می‌گفتیم خالقیت ملازم با ربوبیت است، اینجا می‌گوییم ربوبیت در واقع همان خالقیت است، آنجا بحث ملازمه بود، اینجا بحث عینیت است، منتهی با این بیانی که عرض کردیم.

پس در هر حال اگر ما اثبات کردیم توحید خالق را قهراً توحید ربوبی هم اثبات می‌شود.

حال ربوبیت جزئی علاوه بر این دو دلیل و برهانی که آوردیم شاید با آیات الهی هم تایید شود، مثلاً «وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنَ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ»<sup>۱</sup> یا «وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ»<sup>۲</sup>، اگر از آنها بپرسی که چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده است؟ چه کسی ماه و خورشید را مسخر قرار داده است؟ می‌گویند هر آینه خدا این کار را کرده است.

اما عمده دلیل بر ربوبیت به معنای تام، ربوبیت مطلقه چه کلی و چه جزئی، همین دو دلیل است که بیان شد، مگر خلق به کلیات تعلق گرفته است؟ جزئیات هم مخلوق خدا هست، حال با واسطه، اگر همه ذرات این عالم مخلوق خدا باشند، ربوبیت همه ذرات این عالم هم با خداست، چون ربوبیت گونه‌ای و نحوه‌ای از خلقت است، اگر همه این عالم مخلوق خدا می‌باشد، حتی ذرات، این ملازم با این است که خداوند نسبت به همه ذرات این عالم ربوبیت داشته باشد، پس ربوبیت خدا هم به نحو کلی و هم به نحو جزئی ثابت می‌شود.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. سوره العنکبوت: آیه ۶۳.

۲. سوره العنکبوت: آیه ۶۱.